

گسترش اندیشه شیعه اثنی عشری در قرن نهم

منصوره امیری

کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی شرایط اجتماعی و مذهبی پیش از ظهور صفویان است. پیروزی صفویان در استقرار مذهب تشیع در یک جامعه سنی به خودی خود صورت نگرفته، بلکه ناشی از عواملی خاص بوده است. این شرایط به یک باره پدید نیامده است و در طی ادوار متمادی، اتفاقات متعددی رخ داده که در نهایت منجر به روی کار آمدن صفویان شد. در طول تاریخ ایران پس از اسلام، این سرزمین شاهد نهضت‌ها و انقلابات متعدد بوده است که بعضاً دست مایه‌های اقتصادی، اجتماعی و... نیز داشته‌اند. در بین این نهضت‌ها می‌توان از عامل مهمی نام برد که محرک قابل توجهی بوده است. این عامل، مذهب تشیع می‌باشد چنانکه نهضت عاشورا، قیام زید و فرزندش، علویان طبرستان، اسماعیلیه و سربداران از جانب جامعه شیعه‌ی ایران تغذیه می‌شد. وقوع این نهضت‌ها توانست اذهان عمومی را برای پذیرش تشیع آماده کند. علیرغم این که بعضی از منابع به عامل جبر در شیعی شدن ایران اشاره می‌کند باید یادآور شد که جامعه‌ی ایرانی از بدو ورود اسلام با تشیع آشنایی داشته است. حضور تشیع در طول تاریخ ایران پس از اسلام در جامعه‌ی ایران تعاملاتی را بین گروه‌های متعدد مسلمان پدید آورد. در این مقاله به صورت مختصر به نهضت‌هایی می‌پردازیم که با اندیشه‌های شیعی راه اندازی شده است و به نوعی بر تاسیس سلسله صفوی و رسمیت تشیع به عنوان مذهب ملی تاثیرگذار بودند. از این‌رو در این مقاله به مباحث نحل و فرق شیعی، رابطه تشیع و تصوف، روند رشد فقه شیعه و مناطقی که در ارتباط با تصوف و تشیع بودند، پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تشیع، عصر صفوی، تصوف، تسنن، مغولان، نهضت.

مقدمه

قرن نهم به سبب اعتقاد شدید شاهان و شاهزادگان تیموری به مشایخ صوفیه، یکی از دوره‌های مساعد برای رواج تصوف و نفوذ روزافزون صوفیه بود. خاصه که تصوف در این عهد تا حدودی رنگ دینی یافته بود و این امتزاج شریعت و طریقت سبب شد که مشایخ صوفیه در شمار متصدیان امور شرع در آیند و مردم از آنها در رفتار و کردارشان همان انتظار را داشته باشند که از عالمان شرع داشتند. از سوی دیگر از قرن هفتم به بعد که رفته رفته اصول تصوف و عرفان در کتاب‌های علمی درسی وارد شد، این مشرب به تدریج از انحصار متصوفه بیرون آمد و اهل مطالعه و صاحبان ذوق بر بسیاری از دقیقه‌های آن آگاهی یافتند و کم‌کم درویشی و اندیشه‌های درویشانه به مردم عادی سرایت کرد تا آنجا که در قرن‌های نهم و دهم کم‌تر شاعر و نویسنده یا عالمی را می‌یابیم که جلوه‌هایی از عرفان در آثارش دیده نشود.

عامل دیگری که برای شیوع و رواج اندیشه‌های صوفیانه می‌توان برشمرد سختی‌های روزگار، ناکامی‌ها و فقر و فساد طبقه حاکم به‌ویژه در دوران چیرگی قبیله‌ها و غلامان ترک و ایلغارگران تاتار و مغول و ترکان جغتائی و اوزبک و ناپایداری جهان بود که بر توجه مردم به مقاصد صوفیان می‌افزود و آنان را بیش از پیش به معنویات و ترک علاقه‌های دنیوی تشویق می‌نمود.

همچنین به همان میزان که تشیع در قرن نهم رواج گرفت سلسله‌هایی صوفیان شیعی مذهب نیز بیشتر می‌شدند. قدیمی‌ترین آنان صوفیه صفویه یعنی پیروان شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی بودند که در آغاز قرن دهم به سلطنت ایران رسیدند. مؤسس این سلسله را از نسل امام موسی‌الکاظم (ع) دانسته‌اند. سلسله معروف دیگر که پیروان آن بر مذهب شیعه بودند سلسله نعمت‌اللهیه بود که به امیرسیدنورالدین نعمت‌الله بن میر عبدالله کرمانی (حدود ۷۳۰-۸۳۴) انتساب داشت و وجود آن در قرن نهم از علل و اسباب مؤثر نشر تشیع بوده است. فرقه معروف دیگر که آن هم در نشر تشیع تأثیر عمده داشت فرقه‌ی نوربخشیه است که دعوت آن به صورت نوعی از قیام جلوه کرده بود. نسب این سلسله به معروف کرخی و از او به امام علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام می‌رسد و قاضی‌نورالله شوشتری و ملامحسن فیض کاشانی از پیروان مشهور این سلسله بودند.

تشیع در طول تاریخ ادوار مختلفی را طی کرده فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته و تأثیرات قابل توجهی از خود بر جای گذاشته است. در طول این دوران‌ها فقه شیعه دچار تحولات و تغییراتی شده است. فقه شیعه در شرایط متفاوت اجتماعی سیاسی و فرهنگی مراحل تکامل خود را طی کرد. فقهی که به صفویان رسید و در ثبات حکومت آن‌ها یاریشان کرد حاصل تلاش‌های چند قرنی فقها و علمای شیعه در ایران و سرزمین‌های هم‌جوار بود.

فقه شیعه از سال ۵۸۸ ق دوره‌ی نوین خود را آغاز کرد. در این زمان ابن‌ادریس حلی با تدوین کتاب "السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی" زمینه‌ساز عصر جدیدی برای فقه شیعه شد. عصری که تا سال ۱۰۳۰ یعنی نزدیک به چهار قرن و نیم طول کشید.^۱ در طول این مدت عالمان زبردستی همچون علامه حلی، محقق حلی، فاضل مقداد، فخرالمحققین، شهید اول، شهید ثانی، شیخ حسن و شیخ بهایی در جهان اسلام ظهور کردند و تلاش‌های ارزنده‌شان باعث توفیق روز افزون تشیع گردید. در قرن ششم ابن‌ادریس حلی شیوه‌ی نوینی را در فقه شیعه پی‌ریزی کرد که بر اساس آن همه‌ی احکام دینی می‌بایست از لحاظ عقلی مورد بررسی قرار بگیرد و درستی و صحت احکام با استدلال‌های گسترده و نقد و مطالعه مورد ارزیابی قرار بگیرد.^۲

اقدام ارزنده‌ی ابن‌ادریس اساس کار عالمان شیعی در قرون بعد شد. محقق کرکی، محقق اردبیلی، شیخ بهایی از جمله دانشمندانی هستند که بر اساس فقهت پی‌ریزی شده توسط ابن‌ادریس و تالیفات دانشمندان پس از وی در زمینه‌ی تشیع به مطالعه تحقیق و تالیف پرداختند. لذا ایدئولوژی دینی صفویان تا حدود زیادی بر اساس آرا این دانشمندان پی‌ریزی شد. هر چند در زمان صفویان مذهب شیعه به شدت با سیاست در هم آمیخته شده بود و در بعضی موارد چیزی از تشیع واقعی به دست نمی‌آمد اما به هر حال فقه این دوران برگرفته از اندیشه علمای پیشین بود.

^۱ -نوری، محمد اسماعیل ادوار تحول و تکامل فقه شیعه، تهران، مرکز انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵.

^۲ -ابن‌ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج اول، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چ دوم ۱۴۱۰ ق، ص ۴۱-۴۲.

برای شناخت فرقه‌ها و مذاهب و ادیان اولین مسأله مراجعه به پیشینه و تاریخ ظهور و پیدایش آنها و چگونگی گسترش و مرید و پیرو پیدا کردن این فرقه‌ها است، چرا که باید ابتدا ریشه‌ها و منشأ جریانات را به درستی بررسی کرد و شناخت تا توانست با اهداف شکل‌گیری آنها و ماهیت فکری و نگرشی آنها به درستی آشنا شد و در زمینه نقد و بررسی آنها ورود پیدا کرد.

محمدجعفری (۱۳۶۴) در تحقیقات خویش نشان می‌دهد که یکی از قوی‌ترین حرکت‌های میسیونری تاریخ شیعه، فعالیت‌های تبلیغی صفویه بوده است. در قرن نهم هجری شاه اسماعیل صفوی در برهه‌ای دست به تأسیس حکومت زد که جامعه ایران به نوعی از هم‌گسیختگی فرهنگی-اجتماعی دچار بود. درآمیختگی فرهنگی ایرانیان از سویی و ظهور فرقه‌های مذهبی و سیاسی اسلامی و غیراسلامی، از سوی دیگر، هویت اجتماعی ایران را آشفته کرده بود. شاه اسماعیل و جانشینان وی برای ایجاد وحدت ملی، از آنجا که هم خود به تشیع تمایل داشتند و هم دشمن آنان عثمانی سنی‌مذهب بود، مذهب شیعه را برگزیده و دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. (۱۲۰)؛ صفا (۱۳۷۳) ابراز می‌کند که سده ی نهم هجری دوره ی تیموری نام دارد که برای ترویج تشیع موقع مناسبی بود و شیعه ی اثنی عشری از این فرصت برای نشر عقاید و اظهار آزادانه ی اعتقادات خود به خوبی بهره برد، زیرا قدرتش به آن حد رسیده بود که از انزوا و انخزال بیرون آید و به حملات پی در پی به مذاهب اهل تسنن و اثبات فساد عقیده ی آنان از راه سبّ شیخین و نظایر آن اقدام کند (۵۶)؛ شوشتری (۱۳۸۷) معتقد است که در اوایل قرن نهم و عصر تیموری، شیعه از حسن اعتقاد واقعی یا ادعایی تیمور به «آل پیغمبر» و «ذرت و آل پیغمبر» ... و همچنین از احترام شگرفی که شاهرخ و جانشینان او نسبت به سادات می‌کرده و از حسن اعتقاد و تبجیلی که درباره ی ائمه ی اثنی عشر و بقاع آنان ابراز می‌دانسته‌اند، چند بار استفاده کرده، کار را به استخفاف شیخین و سبّ آنان کشانیدند و پیداست که در انتقام گرفتن از ظلم‌های اموی و لعن و قدح آنان هم هیچ کوتاهی نمودند (۲۳۵)؛ معاشری (۱۳۸۹) سده ی نهم از نظر پیشرفت و ترقی شعر مذهبی، به ویژه در آثار شاعران شیعه اثنی عشری، از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی و ادبی است. جلوه‌های مذهب در شعر این دوره از نظر تعدد شاعران و نیز کثرت اشعار اعتقادی و مذهبی بسیار چشم‌گیر است (۲۵۳)؛ مظفر (۱۳۸۶) چنین تبیین می‌کند که فضای فرهنگی میان سنیان ایران در قرن هشتم و نهم، به جز در موارد استثنایی، بر اساس این باور بود که می‌توان میان چهار خلیفه و دوازده امام جمع کرد و به همه آنها اعتقاد داشت. عنوانی که می‌توان به این گرایش داد، همان تسنن شیعیانه یا تسنن دوازده امامی است (۱۸۸)؛ مصطفی الشیبی (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان تشیع و تصوف بیان می‌کند که یکی از فرقه‌های مذهبی که در سده نهم هجری بروز یافت، فرقه حروفیه بود که بیشتر محتوای باورهای این فرقه، بافتنی‌های بی‌دلیلی است که کمترین دلیل عقلی و نقلی قابل استناد ندارد. از برخی از رفتارهای سیاسی آنان می‌توان حدس زد که در پی کسب قدرت سیاسی نیز بوده‌اند. در واقع تصوف آنان نیز، از نوع تصوف سیاسی است که در ادامه حرکت سربداران و مرعشیان پدید آمده است. پدیده حروفی‌گری را در قرن نهم در اصفهان، هرات، آسیای صغیر و بسیاری از نقاط دیگر می‌توان دنبال کرد (۸۴).

از آنجا که در هر برهه‌ای از تاریخ فرآیندها و جریانات مختلفی صورت می‌گیرد، علی‌الخصوص جریاناتی که با زمینه مذهبی و اعتقادی در حال نشر و گسترش در جوامع هستند، به طور قطع، یکسری چالش‌ها و یا نارسائی‌هایی را تجربه کرده است. همچنین به دلیل تفاوت فرهنگی در جوامع، در برخی مواقع نیاز هست تا از شیوه‌های دیگر جهت تبلیغ و نشر آئین و مذهب بهره برد. به طور کلی رویدادهای اعتقادی و مذهبی و به تبع آن مقابله به فرقه‌های اقماری حق و ناحق، از جمله چالش‌های بالقوه در چنین اموری است. لذا ضرورت ایجاد می‌کند تا با شناخت دقیق و ژرف نسبت به موقعیت و فضای سیاسی-فرهنگی شیعیان در قرن نهم هجری که در بحبویه ظاهر مذاهب و عرفان‌های نوظهور است، کاوشی عمیق صورت گیرد که این مقاله به همین منظور تهیه و تدوین شده گردیده است.

روش تحقیق

پژوهش یا تحقیق یک روند فعالانه، هوشیارانه و سامانمند برای کشف، تعبیر و بازنگری پدیده‌ها، رخدادها، رفتارها و فرضیات است. مسلماً مشخص است که بیش از هر چیز در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز و اولیه

استفاده و داده‌های مورد نیاز از میان آثار مرتبط استخراج شد. همچنین از آرای کارشناسان و صاحب‌نظران حوزه مسائل اسلامی و فقهی نیز در این خصوص بهره برده‌ایم.

یافته‌ها

تأثیر حکومت‌های مختلف بر نشر فقه شیعه

در زمان حمله مغول به ایران مردم که هستی خود را از دست داده بودند، به دنبال ماوایی می‌گشتند تا در آن به آسایش برسند. پس، مردم ستم‌دیده رو به خانقاه آوردند و به همین ترتیب اسلام مردمی باب شد. این شکل جدید از دین هرچند از تسنن شروع شد، اما به تدریج به تشیع نزدیک تر شده و شکل شیعی به خود گرفت.^۱ باب شدن تفکرات شیعی در بین سنیان باعث نزدیکی این دو مذهب شد و زمینه ای فراهم گشت تا گروه اقلیت شیعه خود را بروز دهند.^۲

در این میان ظهور سرداران بعنوان یک دولت شیعی، باعث گسترش تشیع در ایران شد و به دنبال آن ها مرعشیان و آل کیا نیز تشکیل حکومت دادند.^۳ البته در قرن هشتم، دوره ای که سرداران ظهور پیدا کردند، گرایش‌های مذهبی مردم حول محور تصوف می‌چرخید. شیخیان نیز از این اصل به دور نبودند. عالمان این دین هرچند فقه می‌دانستند، اما خرقة بر تن می‌کردند. تصوفی که رهبران مذهبی سرداران از خود نشان می‌دادند، هم رنگ شیعی داشت و هم رنگ سیاسی.^۴

در این دوره علما به دو دسته تقسیم می‌شدند. یکی صوفیان و دیگری فقها. سرداران با هر دوی این گروه ها در ارتباط بودند. ارتباط سرداران با صوفیان از این جهت بود که صوفیان به تدریج رو به سیاست و مبارزات اجتماعی رو آورده بودند.^۵ البته رابطه سرداران با صوفیان همیشه مسالمت آمیز نبود. به گونه ای که در باب قتل شیخ حسن جوری، این شائبه وجود دارد که وی به دست امیر مسعود کشته شده باشد.^۶ از طرف دیگر، آل کیا که نسبتشان به امام چهارم شیعه می‌رسید، در مدت دو قرن یعنی بین سده های هشتم تا دهم هجری، در بخش قابل توجهی از گیلان حکومت کردند. ناحیه ی جنوبی دریای خزر تا حدود دو قرن پس از ورود اسلام به ایران، از دسترس اعراب مسلمان به دور بود؛ زیرا آب و هوای خاص سرزمین های شمالی ایران و روحیه ی جنگجویانه ی ساکنان این منطقه، به تازه واردان اجازه ی دسترسی نمی داد. همین عوامل باعث شد که این منطقه به مرکزی برای مخالفان امویان و عباسیان تبدیل شود.

شروع نفوذ علویان در طبرستان و دیلمستان، با دعوت حسن بن زید شروع شد. وی به سال ۲۵۰ شروع به دعوت خود کرد.^۷ از همین تاریخ، شیعه ی زیدی در مناطق بیه پیش گسترش یافت. در حقیقت به اسلام رو آوردن مردم این منطقه، ناشی از فشار اعراب مسلمان نبود بلکه مسلمانی آن ها به واسطه ی دعوت حسن بن زید رخ داد. تا پیش از قدرت گیری آل کیا، مذاهب دیگری نیز در گیلان رایج بودند. مسیحیت و یهودیت در این ناحیه، از جمله ی ادیانی است که دارای فعالیت بودند. فرقه های کرامیان، مشبهه و نقطویه نیز در این ناحیه دارای طرفدارانی بودند.^۸ پس از سقوط آل بویه، جنبش اسماعیلیه در قرون سوم و چهارم در کنار زندهی فعالیت داشت. خلاصه این که این خطه از ایران پس از ورود اسلام با ادیان و مذاهب و فرق گوناگون آشنا شده است. تا پیش از روی کار آمدن صفویان، اهالی شیعه و سنی در این ناحیه سکونت داشتند. سنیان بیشتر بر مذهب حنبلی و شافعی بودند.^۹ همچنین به دلیل تنش های بسیاری که در این منطقه وجود داشت طبیعتاً خوی جنگ و لشکرکشی در این

^۱ -مزاوی، میشل م؛ پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، چ دوم، ۱۳۶۸، ص ۲۰۳.

^۲ -فتحی نیا؛ پیشین، ص ۱۸۲.

^۳ -فتحی نیا؛ پیشین.

^۴ -جعفریان؛ پیشین، ص ۷۷۷.

^۵ -فتحی نیا؛ پیشین، ص ۱۸۶.

^۶ -رویمر، ه؛ "آل جلایر آل مظفر و سرداران"، تاریخ ایران کمبریج، ج ششم (دوره ی تیموریان)، تهران، جامی، چ چهارم، ۱۳۹۰، ص ۳۵. عباس، پرویز؛ "سرداران"، شماره ی ۲۳-۲۴، آذر و اسفند ۱۳۴۷، ص ۱۰۸.

^۷ - سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی؛ تاریخ طبرستان رویان و مازندران، مصحح: محمد حسین تسیجی، تهران، موسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵، ص ۳۴

^۸ -کنارزودی، قربان علی؛ مغیبه، سهیلا؛ "علل تداوم حکومت سادات آل کیا در گیلان"، فصلنامه علمی- پژوهشی، شیعه شناسی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۶۳

^۹ -همان، ص ۱۶۴.

سلسله بسیار رواج داشت و به همین نسبت می‌توان به میرزا علی کیایی از امیران مقتدر و با نفوذ کیایی اشاره کرد. این شخص، همان است که اسماعیل میرزای صفوی را در گیلان پناه داد.^۱

در طول مدت زمان حکومت صفویان، رابطه‌ی خوبی با آل کیا برقرار بود. به این دلیل که، شاه اسماعیل خود را مدیون میرزا علی کیا می‌دانست. رابطه‌ی دوستانه‌ی آل کیا و صفویان، در زمان شاه اسماعیل و شاه طهماسب ادامه داشت. جدای از تاریخ سیاسی آل کیا که همراه با عزل و نصب‌ها، جنگ‌ها و کشمکش‌ها، درگیرهای داخلی و ... بود، سیاست مذهبی این حکومت جای بحث دارد. این که آل کیا چه زمانی به مذهب دوازده امامی گرویدند، چندان روشن نیست؛ اما مسلم است که در زمان تأسیس سلسله‌ی صفوی همچنان زیدی بودند. در تاریخ زیدی آمده است، که خان احمد اول به زیارت مقبره‌ی ابوالحسین مؤید رفته و انواع خیرات و صدقات را به این بقعه واجب شمرده است.^۲

اعتقاد به صدقات و خیرات دادن به بقعه‌ی یکی از رهبران مطرح زیدی مذهب، دال بر زیدی بودن این حاکم کیایی است، اما آنچه که معلوم است تشیع خاندان کیا را تأیید می‌کند. در دوره‌ی ای، آل کیا بر مذهب زیدی بودند و پس از قدرت‌گیری صفویه، به تشیع اثنی عشری رو آوردند که می‌توان به جرأت گفت یکی از مؤلفه‌های مهم در قدرت‌گیری خاندان صفوی، آل کیا می‌باشد. در واقع آل کیا حتی پیش از پذیرش اثنی عشری، زمینه‌ی مناسبی را برای گسترش تشیع، حداقل در خطه‌ی دریای خزر فراهم کرده بودند.

مذهب تشیع و تطبیق‌پذیری آن با هنجارهای مختلف

تیموریان زمانی حکومت را در دست گرفتند که وضع اجتماعی - مذهبی شهرهای مهم ایران، به نفع شیعیان گرایش یافته بود و مسلماً آنان ناگزیر از توجه به شیعیان و مظاهر و شعائر مذهبی آنان بودند. تیموریان در ابتدای ورود به ایران با حرکت‌هایی از طرف برخی شیعیان روبه‌رو شدند که هرچند به پیروزی شیعه و عقب‌نشینی تیموریان نینجامید، اما نشانه‌ای از روحیه ظلم‌ستیزانه شیعیان بود و در شکل‌گیری برخوردهای بعدی تیمور مؤثر واقع شد و تیمور را به انعطاف و ملایمت و مدارا با آنان واداشت. به عنوان نمونه، می‌توان به اهدای کتاب عمده الطالب تألیف ابن‌عنبه که در مورد شیعیان و علویان نوشته شده بود و به تیمور اهدا گردید، اشاره کرد. این نوشته از نظر موضوع و تقدیم آن به تیمور، اهمیت دارد. جرئت اهدای کتابی با موضوع شیعیان و پذیرفته شدن آن توسط تیمور، خود گواهی بر وضع سیاسی - مذهبی دوره تیمور و رشد، اعتبار، نفوذ و آزادی شیعیان می‌باشد،^۶ هم‌چنان‌که نشان دهنده آن است که تیمور مجبور به پذیرش و احترام شیعیان بوده است.^۷

از طرف دیگر، شیعیان نیز بر حفظ موقعیت سیاسی - مذهبی به دست آمده پای می‌فشردند و در مواردی نیز روی خوش به تیمور و تیموریان نشان می‌دادند، چنان‌که سربداران به لشکریان تیمور پیوستند و قابلیت‌هایی که از خود نشان دادند، موجب توجه و اعتنای ویژه‌ی وی به آنان شد.^۸ علاوه بر این، هنگامی که سپاهیان تیمور به نواحی مرکز تا جنوب ایران هجوم بردند، امیر مجدالدین مظفر کاشی که از طرف سلطان زین‌العابدین مظفری (خواهرزاده خود) فرمانروای اصفهان و کاشان بود در بدو ورود سپاهیان این مهاجم تازه‌نفس با حسن سیاست و زیرکی، از قتل و غارت آن‌ها جلوگیری کرد. هرچند که بعدها بر اثر تجاوزات تاتارها، مردم (سنی مسلک) اصفهان به جان آمده و آن‌ها دست به گریبان شدند و لشکریان تیمور نیز با قتل‌عام وحشیانه شورش را در هم شکستند، ولی شیعیان کاشان در این مرحله از مخاطرات برکنار و سالم ماندند.^۹ هم‌چنین خواندمیر از استقبال شیعیان از حکومت تیمور خبر می‌دهد و می‌نویسد:

«سادات عظام واجب‌الاحترام، مانند افتخار اولاد خیرالانام سید برکه و قدوه احفاد ائمه اثنی‌عشر خان‌زاده ابوالمعالی و ... از اشراف و اعیان طوائف انسانی که در قبه‌ی الاسلام بلخ مجتمع بودند بر سلطنت آن امیر کشورگیر اتفاق نمودند.» هم‌چنین شیعیان در این برهه در مواردی نقش شفاعت‌کننده و تعدیل‌کننده ظلم تیموریان را نیز بر عهده داشتند.

^۱ - خواندمیر؛ تاریخ حبیب السیر، ج چهارم، تهران، نشر خیام، ج چهارم، ۱۳۸۰ ص ۴۴۱-۴۴۲

^۲ - علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین لاهیجی؛ تاریخ خانی، مصحح: منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ج اول، ۱۳۵۲، ص ۳۳۹

وضعیت دین و جایگاه تشیع در زمان حکومت شاه صفوی

زمانی که شاه اسماعیل پا به عرصه ی سیاست و قدرت نهاد، اکثر مردم بر مذهب سنت بودند. از میان فرق تسنن، مذهب حنفی بیشترین طرفدار را داشت. البته در نواحی مرکزی، جنوبی و غربی ایران، مذهب شافعی هم دارای پیروان قابل توجهی بود.^۱ گروه های شیعه به طور پراکنده در شمال ایران، مشهد، بیهق، قم، ری و کاشان می زیستند. صفویان اعتقادات صوفیانه خود را با مذهب تشیع در آمیختند و با شهرت اجتماعی و اعتباری که از خانقاه ها کسب کرده بودند، موفق شدند در راه کسب قدرت گام بردارند. آن ها برای رسیدن به اهداف خود، بساط ارشاد را از خانقاه جمع کردند و مریدان خود را راهی میدان های جنگ کردند. شاه اسماعیل با کیاست، برای تهییج شیعیان شعارهای جنگی خود را از نوع شعارهای دینی و تبلیغاتی اثنی عشری انتخاب می کردند تا بتواند احساسات دینی مردم را تحریک کرده و حتی در بعضی موارد قتل عام مردم را به حساب فرامین ائمه شیعه می گذاشت و بدین شکل قتل مردم جنبه مذهبی و قانونی به خود می گرفت.^۲ شاه اسماعیل برای متقاعد کردن قزلباشان و سربازان به جنگیدن، عریضه هایی را نوشته و در حرم امامان می گذاشت تا جنگ را دستوری از جانب امامان شیعه تلقی کند. با همین اقدامات زیرکانه، توانستند سربازان را برای جنگ تشویق و در تمامی جنگ ها تا سال ۹۲۰ ق پیروز شوند.^۳ در واقع صفویان از یک نیروی پویای ایدئولوژیکی استفاده کردند تا در کسب قدرت موفق باشند. آنها قدرت خود را بر ۳ اصل نهادند.^۴

اول آنکه پادشاهان صفوی، حق حکومت را از جانب خدا برای خود می دانستند.^۵ دومین عنصر اینکه آنها خود را نایب بر حق امام زمان می دانستند. این ادعا به مشروعیت بخشیدن حکومت آن ها بسیار کمک می کرد. سومین اصل، مربوط به مقام شاهان صفوی به عنوان مرشد پیروان طریقه صوفی گری است. با توجه به رسم گذشته ایرانیان و این باور که پادشاهی، عطیه ای است الهی، این ایدئولوژی برای صفویان کارگر واقع شد و توانستند محبوب توده مردم شوند. در حالیکه می بینیم اقدامات صفویان برای استقرار مذهب تشیع با اصل تفکر شیعی در تضاد است. شاهان صفوی اسماً شیعه مذهب بودند، اما واقعیت چیز دیگر بود و هر اقدامی را به ظاهر با کسب اجازه از امام معصوم به سرانجام می رساندند، همیشه در عیش و نوش و خوشگذرانی بودند. به راحتی جان می ستاندند و با هر بهانه ای بر مردم خشم می گرفتند.

نظام ارتباطی و نمادهای زبانی

حضور شاعران نامور در قرن نهم در شهرهای نیشابور و سبزوار باعث گسترش تشیع در این مناطق شد. شاعران و اشعار آن ها از ابزارهای مهم تبلیغاتی در عصرهای گذشته به حساب می آمد. با کمی اغماض می توان شاعران آن زمان را به رسانه های عمومی امروز تشبیه کرد که نفوذ زیادی داشتند و حوزه ارتباطی شان گسترده بود. شیخ فخرالدین حمزه بن علی بیهقی، متخلص به آذری، یکی از مشاهیر مشایخ و بزرگان شعرای قرن نهم به شمار می آید. قاضی نورالله شوشتری در مورد وی می نویسد: «اکثر قصیده های دیوان شیخ در مناقب اهل بیت علیهم السلام واقع شده است». یکی دیگر از شاعران قرن نهم، شمس الدین محمد بن عبدالله کاتبی نیشابوری بوده است. وی در مناقب ائمه علیهم السلام، مصائب شهدای کربلا و نیز به صورت موعظه، اشعاری سروده است.

نتیجه گیری

در دوره های پیش از استقرار حکومت صفوی، مذهب تشیع در کنار دیگر مذاهب به فعالیت و حیات خود ادامه می داد. هر چند این مذهب، در مقایسه با تسنن دچار دشواری ها بود، اما باز هم توانست موفقیت هایی کسب کند. تا جایی که مردم ایران

^۱ - طغیانی، اسحاق؛ تفکر شیعه و شعر دوره صفوی، دانشگاه اصفهان، چ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۶.

^۲ - یوسف جمالی، محمد کریم؛ تاریخ تحولات ایران عصر صفوی از شیخ صفی تا شاه اسماعیل اول، دانشگاه آزاد نجف آباد، ۱۳۸۵، ص ۳۹۵.

^۳ - همان؛ خاقانی؛ جهان گشای خاقانی، مقدمه و تصحیح دکتر الله دتا مضطر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۶۴ ه ق، ص ۸۷.

^۴ - سیوری و دیگران؛ صفویان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر مولی، چ اول، ۱۳۸۰، ص ۶۷.

^۵ - همان؛ مزاولی، پیشین، ص ۵۱.

با تشیع آشنایی داشتند و با آن در ارتباط و تعامل بودند. تشیع با همه ی سخت گیری های دستگاه خلافت، که نماینده ی تسنن بود، توانست تاثیر قابل توجهی بر جامعه ی ایران بگذرد. شاید بتوان گفت یکی از ارکان جامعه ی ایرانی را، تشیع تشکیل می داده است.

همچنین تاریخ اجتماعی شیعیان در نیمه نخست قرن نهم هجری مصادف است با حکومت مغولان ترکزاده‌ای که به تیموریان شهرت یافتند. هرچند برخوردهای اولیه آنان با شیعیان بسیار تند و همراه با قتل عام و تخریب شهرها بود، اما پس از گذشت چندی به انعطاف و ملایمت تبدیل شد. علل این تغییر رویه را می توان در موارد ذیل جست‌وجو نمود:

۱. تطبیق پذیری شیعیان با هنجارهای مختلف و استفاده مناسب از موقعیت‌های سیاسی محدود به وجود آمده
۲. پافشاری آنان بر حفظ آیین‌های خاص مذهب تشیع، همچون عزاداری و زیارت
۳. حضور دانشمندان، مشاهیر و شاعران نامور در این عصر. این دسته با استفاده از علم و شعر خود که ابزار مهم تبلیغاتی عصرهای گذشته به شمار می آمد، باعث گسترش و نفوذ تشیع در بین سایر مسلمانان و حتی تیموریان گردیدند.
۴. در اختیار داشتن برخی از حرفه‌ها و مشاغلی که مورد نیاز تیموریان بود یا به آن علاقه داشتند، همچون تولید منسوجات و تجارت آن‌ها و معماری.

آشنایی مردم ایران با تشیع و آن حس قرابتی که با این مذهب داشتند، بیش از آشنایی و نزدیکی اعراب و دیگر مسلمانان با این مذهب بود. چرا که خاستگاه اصلی تشیع در ایران بود. تشیع در ایران و توسط ایرانیان توانست به رشد و بالندگی برسد. به خصوص این که در قرون اولیه اسلامی، این مذهب در شهر های متعدد ایران دارای طرفدارانی بود؛ و باید اشاره کرد که یکی از حوزه های اصلی تشیع در قم بوده است. در کنار قم، شهرهایی همچون کاشان، ری، بیهق و ایالات شمال ایران با تشیع آشنا بودند. بعضی از این شهرها از مکتب فقهی و حدیثی خاص خود، نیز برخوردار بودند. در خارج از ایران نیز حله و جبل عامل و حتی در برهه ای از زمان، بغداد تشیع خود را بروز داده و در بحث های فقهی با مراکز شیعی ایران ارتباط داشتند. طبیعتاً این ارتباط باعث تاثیرپذیری از یکدیگر نیز می شد.

منابع

۱. ابن ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج اول، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چ دوم ۱۴۱۰ ق
۲. ابوالقاسم عبدالله بن محمد القاشانی؛ تاریخ اولجایتو، مصحح: مهین همبلی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۸۴.
۳. اصلانی، مختار؛ "تاثیر ادعای مهدویت در ایجاد دولت مشعشعیان"، مشرقی موعود، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۹.
۴. بیات، عزیزالله؛ شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفوی، تهران انتشارات امیرکبیر، چ چهارم، ۱۳۸۸.
۵. پارسا دوست، منوچهر؛ "مغولان و نقش آن ها در به قدرت رسیدن صفویان"،
۶. پناهی، عباس؛ یوسف جمالی، محمد کریم؛ "اوضاع مذهبی گیلان در عصر آل کیا"، پژوهش نامه تاریخ، سال دوم، شماره ۶.
۷. تتوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف خان؛ تاریخ الفی، مصحح: غلامرضا طباطبایی مجد، ج هشتم، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چ اول، ۱۳۸۲.
۸. ترکمنی آذر، پروین؛ تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، قم، انتشارات شیعه شناسی، به اهتمام موسسه شیعه شناسی، چ چهارم، ۱۳۹۰.

۹. تکمیل همایون، ناصر؛ "نقش تشیع در جنبش های سیاسی صوفیان قزلباش"، فصلنامه تاریخ اسلام، سال چهارم، بهار ۱۳۸۲.
۱۰. جعفریان، رسول؛ تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، تهران، علم، چ سوم، ۱۳۸۸.
۱۱. حافظ ابرو؛ زبده التواریخ، مصحح و محقق: سید کمال حاج سید جوادی، ج اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول.
۱۲. حسنی، سید علی؛ "بررسی عنوان حوزه ی علمیه ی حله"، فصلنامه ی شیعه شناسی، سال ششم، شماره ی ۲۱، بهار، ۱۳۸۷.
۱۳. حقیقت، عبدالرفیع؛ تاریخ جنبش های مذهبی در ایران، تهران، انتشارات کومش، چ اول، ۱۳۷۷.
۱۴. حلی، یوسف بن مطهر؛ کشف الیقین فی فضایل امیرالمومنین؛ به تحقیق حسین درگاهی؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱.
۱۵. خاقانی؛ جهان گشای خاقانی، مقدمه و تصحیح دکتر الله دتا مضطر، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۳۶۴ ق.
۱۶. ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا؛ "نهضت مشعشعی و گذاری بر کلام المهدی"، معارف، دوره سیزدهم، شماره یک، فروردین-تیر ۱۳۷۵.
۱۷. راوندی، مرتضی؛ تاریخ اجتماعی ایران، تهران، انتشارات نگاه، چ دوم، ۱۳۸۲.
۱۸. رنجبر، محمدعلی؛ مشعشعیان (ماهیت فکری-اجتماعی و فرایند تحولات تاریخی)، تهران، آگه، ۱۳۸۲.
۱۹. رویمر، ه.ر؛ "آل جلایر آل مظفر و سرداران"، تاریخ ایران کمبریج، ج ششم (دوره ی تیموریان)، تهران، جامی، چ چهارم، ۱۳۹۰.
۲۰. ستوده، منوچهر؛ از آستارا تا استرآباد، ج دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ج اول، ۱۳۵۱.
۲۱. سعیدی، وحید؛ "آل کیا در گیلان"، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۷، فروردین ۱۳۹۱.
۲۲. سومر، فاروق؛ نقش ترکان آناتولی در تشکیل و توسعه دولت صفوی، ترجمه محمد تقی امامی و احسان اشراقی، تهران، نشر گسترده، چ اول، ۱۳۷۱.
۲۳. سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی؛ تاریخ گیلان و دیلمستان، محقق و مصحح: منوچهر ستوده، تهران، انتشارات اطلاعات، چ دوم، ۱۳۶۴.
۲۴. سید ظهیرالدین بن سید نصیرالدین مرعشی؛ تاریخ طبرستان رویان و مازندران، مصحح: محمد حسین تسبیحی، تهران، موسسه مطبوعاتی شرق، ۱۳۴۵.
۲۵. سیوری و دیگران؛ صفویان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر مولی، چ اول، ۱۳۸۰.
۲۶. سیوری، راجر؛ تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، ترجمه عباسقلی غفاری فرد و محمد باقر آرام، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۸۲.
۲۷. شفیع، مولوی محمد؛ "نوربخشیان"، مترجم: سید محمد مهدی، معارف، دوره نهم، شماره سه، آذر - اسفند ۱۳۷۲.
۲۸. شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المومنین، تهران، ایران، ۱۳۲۰.
۲۹. شوشتری، قاضی نورالله؛ مجالس المومنین، ج دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶ ق.
۳۰. الشیبی، کامل مصطفی؛ ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، چ پنجم، ۱۳۸۷.
۳۱. شیخ نوری، محمد امیر؛ "نهضت حروفیه در ایران"، نامه انجمن، شماره ۳/۱.
۳۲. صفا، ذبیح الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات فردوس، چ هشتم، ۱۳۷۸.
۳۳. طغیانی، اسحاق؛ تفکر شیعه و شعر دوره صفوی، دانشگاه اصفهان، چ اول، ۱۳۸۵.
۳۴. عظیم زاده، طاهره؛ "سادات کیا و تشیع امامیه"، مطالعات اسلامی، شماره ۶۹.

۳۵. علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهیجی؛ تاریخ خانی، مصحح: منوچهر ستوده تهران بنیاد فرهنگ ایران چ اول ۱۳۵۲.
۳۶. فتحی نیا، مهدی؛ "رابطه دین و دولت نزد سربداران"، تاریخ در آینه پژوهش، سال ششم، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۳.
۳۷. فرهانی منفرد، مهدی؛ مهاجرت علمای شیعه از جبل عامل به ایران در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۷۷.
۳۸. فومنی گیلانی، ملا عبدالفتاح؛ تاریخ گیلان، محقق و مصحح: منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
۳۹. قیم، عبدالنبی؛ "افدامات فرهنگی سید مطلب مشعشی"، فصلنامه تاریخ اسلام، سال پنجم، پاییز ۱۳۸۳.
۴۰. مدنی، محمد سعید؛ "قیام سربداران"، مجله کیهان فرهنگی، خرداد و تیر ۱۳۷۶، شماره ۱۳۳.
۴۱. مزاولی، میشل. م؛ پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گسترده، چ دوم، ۱۳۶۸.
۴۲. مستوفی، محمد محسن؛ زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، انتشارات ادبی و تاریخی، چ اول، ۱۳۷۵.
۴۳. میر احمد، مریم؛ دین و دولت در عصر صفوی، تهران، امیرکبیر، چ دوم، ۱۳۶۱.
۴۴. میر جعفری، حسین؛ تاریخ تیموریان و ترکمانان، اصفهان، انتشارات سمت، چ هفتم، ۱۳۸۷.
۴۵. نعیمی، سهیلا؛ "آل کیا و علل سقوط آن در گیلان"، فصل نامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیستم، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۹.
۴۶. نعیمی، سهیلا؛ "علل تداوم حکومت سادات آل کیا در گیلان"، فصل نامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال نهم، شماره ۳۴، تابستان ۹۰.
۴۷. نوری، محمد اسماعیل؛ ادوار تحول فقه شیعه، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
۴۸. نیازمند، رضا؛ شیعه در تاریخ ایران، تهران، نشر حکایت قلم نوین، چ اول، ۱۳۸۳.
۴۹. هینتس، والتر؛ تشکیل دولت ملی در ایران، حکومت قراقویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، خوارزمی، چ سوم، ۱۳۶۲.
۵۰. واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف؛ خلد برین، محقق و مصحح: میر هاشم محدث تهران بنیاد موقوفات دکتر افشار چ دوم ۱۳۷۲.
۵۱. یوسف جمالی، محمد کریم؛ تاریخ تحولات ایران عصر صفوی از شیخ صفی تا شاه اسماعیل اول، دانشگاه آزاد نجف آباد، ۱۳۸۵.

Expansion of Duodecimal Shiite Thought in the Ninth Century

Mansooreh Amiri

M.A Graduated in History of Islamic Iran, The Faculty of Human Science, Imam Khomeini International University of Qazvin, Qazvin, Iran

Abstract

This article seeks to study the social and religious conditions before the advent of the Safavian. The victory of the Safavian in the establishment of the Shi'a religion in a Sunni society, has not taken place on its own but it has been caused by certain factors. This situation has not happened all at once and over the course of a long period of time, there has been many events that eventually led to the coming of the Safavian. Throughout Iran's history after Islam, this land has witnessed numerous movements and revolutions, some of which have had economic, social etc. subjects. Among these movements, an important driving factor can be mentioned. This factor is the Shia religion as the Ashura movement, Zayd and his child, the Alevi of Tabaristan, Ismailia and Sarbedaran were fed by the Shiite community of Iran. The occurrence of these movements allowed the general public to prepare for the adoption of Shi'a. Despite the fact that some sources point to the determinism in Iran Shiite, it should be noted that Iranian society has become familiar with Shi'ism since the arrival of Islam. The presence of Shi'a in the history of Iran after Islam has created interactions among numerous Muslim groups in Iranian society. In this article, we briefly describe movements that have been launched with Shiite thoughts and in some way influenced the establishment of the Safavi dynasty and Shi'a formalism as a national religion. Hence in this article Shiite sects, Shiite relations and Sufism, Shi'a jurisprudential development, and areas related to Sufism and Shi'ism will be discussed.

Keywords: Shiism, Safavi era, Sufism, Sunnis, Mongols, Movement
